

تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی)

حدیث شریفی*

فؤاد نجم‌الدین**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۱/۰۹

چکیده:

قرآن کریم کلامی در جهت هدایت انسان است و پژوهش‌های فراوانی در جهت یافتن کنه کلام و اعجاز این کلام قدسی از زمان نزول و تدوین تا کنون توسط مفسرین و علما تدوین شده است. اما این کلام تنها کلامی آگاهی‌بخش نیست بلکه در کنار معرفت‌بخشی بنای تأثیر و انگیزش و عمل به این آگاهی را نیز دارد. دانش نشانه‌شناسی گفتمانی، به ما اجازه می‌دهد این کلام مقدس هدایتگر را در مقام گفتمانی قدسی خطاب به خواننده تعریف کرده و با تحلیل اجزای متنی بر مبنای تنش و آگاهی، روشی برای تبیین تأثیرات ضمنی و غیرمستقیم آن بر روح و جان خواننده و انگیزش خاسته از آن ارائه دهیم. پژوهش حاضر بنا دارد انگیزش و تأثیر را در کنار کارکرد معرفت‌بخشی کلام قدسی در سوره مبارکه الرحمن تبیین کند و برای نیل به این منظور، پس از بررسی اجمالی پژوهش‌های صورت گرفته درباره این سوره، با انتخاب روش تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی، به تحلیل محورهای تنشی و معرفتی متن سوره در دو سطح جزئی آیات و کلی سوره می‌پردازد و نهایتاً به جمع‌بندی تأثیر و تأثرات انگیزشی و معرفتی متن بر مخاطب می‌پردازد. در بررسی الگوی تنشی آیات سوره مشخص می‌شود که در بعضی آیات خداوند به عنوان صاحب سخن مستقیم وارد فضای گفته‌پردازی شده و ایجاد فشار عاطفی می‌کند و در بعضی آیات از فضای گفته‌پردازی خارج شده و وارد فضای گفته‌ای می‌شود و از چشم‌انداز گسترده‌ای ایزه‌های منتشر را بر می‌شمرد، و باعث ایجاد گستره شناختی در گفتمان سوره می‌شود. همچنین وجود آیه پر تکرار فبا ی آلاء ربکما تکذبان باعث ایجاد ریتم و ضرب‌آهنگ تند در گفتمان سوره می‌شود که باعث تثبیت موضوع سوره الرحمن (تذکر و یادآوری نعمت‌ها) در ذهن و دل مومنان راستین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان، سوره الرحمن، الگوی تنشی، فشار عاطفی، انگیزش.

* کارشناس ارشد ارتباط تصویری موسسه آموزش عالی نبی اکرم تبریز (نویسنده مسوول) hadis.sharifii@yahoo.com

** مربی گروه پژوهش هنر دانشگاه علم و هنر تهران. f.najmedin@yahoo.com

مقدمه

اندیشمندی چون گریماس^۳ و فونتنی^۴ تحولاتی را پشت سر گذاشت که نتیجه آن نزدیک شدن به نوعی دریافت وجودی در باب معنا است. پس از گذر از معناشناسی ساختاری و عبور از نشانه-معناشناسی روایی^۵، جریان مطالعات نشانه‌ای به بررسی روابط حسی-ادراکی در تولید معنا که سیال‌ترین حالت معنا است می‌پردازد. مباحثی چون حضور انسانی در فرآیند معناسازی توسط گریماس و اهمیت کاربرد دریافت‌های حسی-ادراکی در حوزه معنا، باعث نزدیک شدن دو حوزه نشانه‌شناسی^۶ و معنی‌شناسی به پدیدارشناسی شد. این امر بویژه در نظریات مرلوپوتتی قابل مشاهده است و این امر سبب شد تا راه بر نشانه-معناشناسی گفتمانی هموار شود. حوزه‌ای که برای نشانه دیگر معتقد به نوعی تثبیت و ذات‌گرایی نبود. مطالعه تنشی گفتمان مبتنی بر بررسی تعامل بین گستره‌ها^۷ و فشارهای^۸ گفتمانی است. این فشارها و گستره‌ها خود را در طول گفتمان نشان می‌دهند. مطالعه طرحواره‌های تنشی نشان می‌دهد چگونه دو گونه شناختی و عاطفی در تعامل با هم یکدیگر سبب تولید معنا می‌شوند. (شعیری، ۱۳۸۹)

در ایران، حمیدرضا شعیری چند کتاب و مقاله در معرفی نظریه نشانه-معناشناسی گفتمانی نوشته است که تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان و راهی به سوی نشانه-معناشناسی سیال از آن جمله‌اند. با

یکی از مهم‌ترین اصول پژوهش در علوم انسانی، چگونگی روش‌مند کردن مطالعات در این حوزه است. در عصر حاضر شناخت قرآن در قالبی روش‌مند نیز توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. قرآن مجید مجموعه‌ای از لایه‌های معنایی و زیبایی‌شناسی است که زمینه را برای استفاده از روش‌های گوناگون در مطالعات قرآنی فراهم می‌کند. زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و معناشناسی از جمله دانش‌هایی است که امروزه در مطالعات قرآنی تأثیر بسزایی دارد و افق‌های جدیدی را در مطالعات دینی گشوده است. این مقاله مطالعه‌ای میان رشته‌ای در حیطه مطالعات قرآنی و نشانه-معناشناسی گفتمان^۱ قرآن و نظام‌های تنشی و معناسازی در آن است.

زبان و گفتار وسیله انتقال معانی و ارتباط بشری است. خداوند خالق عالم با علم بر کارکرد زبان و گفتار این ابزار را برای هدایت بشر به سمت هدف اصلی آفرینش یعنی تعلیم و تزکیه بشر در کتاب وحی قرآن بکار برده است. کلام و گفتمان قرآن دارای ساختی چند وجهی است. گفتار قرآن نقش دوگانه معرفت‌بخشی و انگیزه‌بخشی را همزمان دارد.

سوسور^۲ رویکرد ساختارگرا داشت و برای نشانه معنایی قطعی، ثابت و مکانیکی در نظر گرفته بود. اما نشانه با گذر از ساختگرایی و با گذر از نظریات

^۳. A.J. Greimas

^۴. Fontanille

^۵. sémiotique narrative

^۶. Sémiologie

^۷. Extensité

^۸. Intensité

^۱. Sémiotique discursive

^۲. Saussure

تأثیرات انگیزشی و معرفتی متن بر مخاطب بیان می‌شود.

زبان و گفتمان قرآن

ویژگی‌های واژگانی، صرفی و نحوی و بلاغی قرآن در طی قرون مورد توجه خیل انبوه دانشمندان و پژوهشگران قرار گرفت و گذشت زمان، از تازگی این زبان نکاست، بلکه بشر در گذر زمان به کارایی‌ها و کارکردهای زبان بیشتر واقف شد و توجه به زبان قرآن روز به روز افزایش یافت.

«چنان که می‌دانیم، اصلی‌ترین ارتباط با سخن الهی حوزه شناختی آن است که زمینه استفاده معنوی آن را فراهم می‌آورد.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۶: ۸) «دین و زبان دین دارای محتوایی است که از طریق ابزار زبان انتقال یافته است.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۴۴) «انسان برای فهم حقایق و اشارات و قرائن قرآنی باید ژرف بیندیشد و به تعبیر قرآن در آن تدبّر کند.» (معزی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

«کاربرد زبان به کارگیری عالی‌ترین توانایی‌های ذهنی است و مطالعه زبان، ما را به اعماق می‌برد و دانش ما را درباره روان‌شناسی انسان عمیق‌تر می‌کند. زبان مبین قرآن نیز به طور طبیعی باید چنین توانی را در حد اعلی داشته باشد و کسی که به این گنجینه زبانی دست یابد و قرآن‌اندیش گردد، تسلط بر اندیشه‌ای بارور خواهد داشت.» (خوش‌منش، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸)

بررسی‌های انجام شده، هادی رهنما در دو مقاله‌اش از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرآیندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی و تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره «قارعة» با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی، کاربرد الگو تنشی را در تحلیل فرآیندهای گفتمانی قرآن کریم نشان داده است. اما در این آثار گفتمان و نظام تنشی سوره الرحمن در چارچوب مطالعات زبان شناختی و نشانه-معناشناسی بررسی نشده است.

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که گفتمان سوره الرحمن چگونه باعث ایجاد فضای تنشی و سیالیت معنا و ایجاد و هدایت جریان حسی-ادارکی و عاطفی می‌شود؟ این مقاله در پی ارائه الگوی تنشی برای سوره الرحمن است تا به بررسی نظام تنشی و وجه عاطفی گفتمان و چگونگی تاثیرگذاری این نظام بر مخاطب قرآن در کنار وجه معرفتی آن بپردازد و چگونگی تعامل وجه معرفتی و انگیزشی را بر اساس این الگو در سوره الرحمن نشان دهد. به این منظور از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی گفتمان برای بررسی متن قرآن کریم (سوره الرحمن) استفاده شده است. در پژوهش حاضر ابتدا به ذکر کلیات زبان قرآن، بیان سیما و ویژگی‌های سوره الرحمن از منظر پژوهش‌های مفسران و علما پرداخته می‌شود. سپس به تحلیل محورهای تنشی متن سوره در دو سطح جزئی آیات و کلی سوره با روش تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی می‌پردازد. در آخر

«قرآن، زبان خدای زبان آفرین و خداوندی است که هر چیزی را به نطق در می‌آورد. این زبان، بنابر تصریح احادیث، تجلیگاه خداوند متعال است. از آنجا که آیت خاتم از جنس قرائت و خواندن است، خواص و آثار آن نیز در پس همین زبان قرار گرفته است کارکرد و اثرگذاری صفات قرآن کریم همگی مترتب بر همین (زبان) اند.» (همان: ۶۸-۶۹)

«معرفت وحی قرآنی از عوالم فراطبیعی، خود با خواست خداوند در لباس الفاظ بر آدمیان عرضه شده است، تا بینش و باور و رفتار انسان‌ها را به سمت تعالی کشاند.» (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۳: ۱۹۰)؛ «درک سخن هر گوینده و نقطه آغاز تفاهم با وی، آشنایی با زبان و قوانین جاری بر نشانه‌هاست که پل ارتباط و ترمینولوژی انتقال معانی است.» (همان: ۲۴۷)؛ «یکی از روش‌های کشف زبان قرآن، مطالعه اهداف و ویژگی‌های درون متنی و دریافت زبان و چگونگی فهم آن از طریق گفته‌های خود گوینده است و این روش بالطبع یک روش عقلانی است که از طریق گفته‌های یک شخص، ویژگی‌های سخن وی و زبان و چگونگی فهم سخن او جستجو می‌شود.» (همان: ۲۱۷)

«وقتی پذیرفتیم قرآن سخن خداست، بالطبع این سخن انعکاسی از ویژگی‌های گوینده است، هر چند مخاطب آن انسان است. وقتی محرز است که مولف و آفریننده متن قرآن خداوند است، این خود یک شیوه عقلانی است که جستجو کنیم که خداوند درباره هدف ارسال قرآن چه گفته است، چه اینکه شناخت هدف

قرآن نقش قابل توجهی در معرفی زبان قرآن ایفا خواهد کرد. قرآن کریم هم تعلیم و هم تزکیه را هدف خود قرار داده است، پس هم زبان تعلیم دارد، هم زبان تزکیه. یک وظیفه قرآن تعلیم دادن است، در این جهت مخاطب قرآن عقل انسان خواهد بود و قرآن با زبان منطق و استدلال با او سخن می‌گوید. اما جز این زبان، قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست، بلکه دل است و این زبان دوم، احساس نام دارد و آن که می‌خواهد با قرآن آشنا گردد و بدان انس بگیرد می‌باید با این دو زبان هر دو آشنایی داشته باشد و هر دو را در کنار هم مورد استفاده قرار دهد. تفکیک این دو از هم مایه بروز خطا و اشتباه و سبب خسران و زیان خواهد بود.» (همان: ۲۱۴-۲۱۵)

«چون زبان یک دستگاه است، تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر آن، در ارتباط آنها با سایر عناصر میسر است، از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که هر واحد زبانی دارای دو معنای لفظی و خطابی است. زبان انسان ترکیبی است از دو مؤلفه لفظ و معنا. هنگامی که سخن گوینده‌ای را می‌شنویم، ذهن ما بدون التفات به صورت الفظی که او ابراز می‌کند یکسر با معانی روبه‌رو می‌شود.» (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۳) «در روایات اسلامی به این مسئله اشاره شده که افزون بر سخنان ظاهری قرآن، باطن قرآن نیز اقیانوسی است که بسیاری از مسائلی که فکر بشر عادی به آن نمی‌رسد، در آن نهفته و گنجانده شده است. در حدیث از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: ظاهر قرآن زیبا و باطن آن زُرف

و ارزش‌ها تعلق دارند، در ظرف و موقعیت استعمال مستعملان با لحاظ معنای اصلی خصوصیات ویژه‌ای را نیز می‌گیرند. نیروی احساس و تخیل و عاطفه در انسان، این مجال را پیش روی او می‌گشاید که افزون بر معانی حقیقی و معانی انتزاعی حاکی از حقایق خارجی، خود یک سلسله مفاهیم اعتباری محض و مجموعه‌ای از معانی صرفاً تخیلی چون رمان و مانند آن را پدیدارهای زبان ادبی و هنری را بیافریند که هیچ‌گونه ما بازای خارجی ندارد» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۶ و ۳۵).

یکی از ابزارها مطالعه قرآن براساس دانش نشانه‌معناشناسی گفتمان و نظام‌های تنشی است. با توجه به مطالب ذکر شده گفتمان قرآن این امکان را به ما می‌دهد که بر اساس نظام‌های تنشی و دانش نشانه-معناشناسی تحلیل شود و این امر نتایج تازه‌ای را فرا روی ما می‌گشاید. بر همین اساس نیاز است که دانش نشانه-معناشناسی و مهم‌تر از آن الگوهای تنشی به عنوان الگوهای تحلیل گفتمان قرآن مختصراً توضیح داده شوند.

نشانه‌شناسی گفتمانی و طرحواره‌های تنشی «مطالعه نشانه از رویکرد ساختارگرایی سوسوری که مبتنی بر رابطه تقابلی صرف میان قطب‌های معنایی از پیش تعیین شده و سپس نظام گفتمان روایی گرمسی که برنامه‌گرا و بر مبنای تغییر از وضعیت اولیه به ثانویه بود وارد حوزه جدیدی شد که نشانه-معناشناسی گفتمانی

است، آن را حد و نهایی است و فوق آن حد و نهایی دیگر است، شگفتی‌های آن پایان نمی‌یابد و تازه‌های آن کهنه نمی‌گردد.» (پورقرا ملکی، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۸)

«نقش پایه‌ای زبان همان ارتباط شناختاری و انتقال پیام است. به اعتقاد ما متن قرآن کریم از این لحاظ دارای ویژگی چند ساحتی است، یعنی گزاره‌های اخباری قرآن کریم با وجود توصیفی بودن واجد خصوصیت برانگیزندگی و تحریک هستند.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۳)

«دو نوع کارکرد معرفت بخشی و انگیزشی قرآن را می‌توان از تصحیح‌های آیات به دست آورد. برخی از آیات به صراحت بیان می‌کنند که این کتاب هدف تعلیمی، معرفت بخشی و اصلاح بینش‌های بشر نسبت به واقعیت‌های عالم را در نظر دارد و نیز دارای هدف اصلاح بشر و ترغیب انسان به سوی کمال وجودی است.» (سعیدی روشن، ۱۳۹۰: ۱۹۵)؛ «زبان تعلیمی قرآن از زبان تربیتی آن منفصل نیست و زبان هدایت معنوی آن آمیخته به زبان احساس آفرینی و سوق انسان به تعادل در همه ابعاد وجودی و واقعیت‌های عینی حیات است و این همان زبان مخصوص و چند ضلعی قرآن است.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۶: ۱۹)؛ «بنابراین مدلول گزاره‌های قرآن معرفت بخشی و حکایت از واقعیت‌های عالم است تا آنها را مبنای ایجاد انگیزه و کنش ایمانی انسان‌ها قرار دهد و آنها را به سوی هدف حیات انسانی بکشاند» (سعیدی روشن، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

«کاربرد الفاظ، به ویژه الفاظی که به حوزه باورها

است که گفته پرداز بر مخاطب می‌گذارد.» (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۴). در همین رابطه است که هر سخن مملو از داوری‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و دیدگاه‌های سخن پرداز است. بنویست^۱ نیز تاکید دارد که «هر گفتمان شکل گرفته از یک سخن‌پرداز^۲ است و یک مخاطب است که هدف فرد اول تحت تاثیر قرار دادن فرد دوم به هر شکل ممکن است.» (شعیری، ۱۳۸۴: ب: ۱۸۹) «با گذر از نشانه‌شناسی ساختگرا، که تابع نظامی سیستماتیک عمل می‌کرد، به نشانه-معناشناسی گفتمانی که براساس نظامی فرآیندی، پویا، سیال و کنش‌مدار و دارای موضع عمل می‌کند، دیگر نمی‌توانیم تولید معنا در گفتمان را محدود به رابطه‌های ساختاری تثبیت شده و کلیشه‌ای بدانیم» (شعیری، ۱۳۸۹). «گفتمان به مثابه جایگاهی که در آن انسان در موقعیتی جهت‌مند و هدف‌مند می‌تواند با دنیا و چیزها در رابطه‌ای هم-حضور و هم حسی حضور یابد، حضور را به مهم‌ترین مساله در نشانه-معناشناسی گفتمان بدل می‌سازد.

حضور بعدی از عملیات گفتمانی است که سبب می‌شود تا ارزش‌هایی با ویژگی‌های عاطفی و حسی-ادراکی شکل گیرد. عمل سخن عملی پیچیده است که تنها به حوزه احساسات محدود نمی‌شود بلکه هوشمند نیز بوده و به همین دلیل در برگیرنده سلسله اطلاعات و شناخت‌هایی است که ما به دنبال پی بردن به

نامیده می‌شود. این رویکرد جدید با تاثیرپذیری از داده‌های مربوط به علم پدیدارشناسی دریچه‌ای بدیع در مطالعات زبان شناسی و نشانه‌شناسی می‌گشاید.

آنچه معناشناسی به دنبال آن است، بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در گفتمان است.» (شعیری، ۱۳۸۸: ۳۷) «همانطور که امروزه اصول نشانه-معناشناسی نوین بر آن تکیه دارد، تولید زبانی نوعی عملیات است که منجر به شکل‌گیری معنا می‌شود، این معنا می‌تواند صریح یا انتزاعی باشد. در هر حال تولید زبانی جایگاهی است که از آنجا معنا نشانه گرفته می‌شود.» فرآیند: حرکتی است که از جایگاهی و با هدف پیشروی و دستیابی به گونه معنایی متفاوت شکل می‌گیرد. چنین فرآیندی نمی‌تواند نتیجه یک اتفاق باشد و اگر هدفمندی آن را بپذیریم باید اذعان داشته باشیم که این امر از ناحیه کسی که مسئول تولید آن است پشتیبانی می‌شود. همین مسئولیت‌پذیری به هنگام تولید زبانی گفتمان خوانده می‌شود. گفتمان عملیاتی است که منجر به تولید گفته می‌گردد.

هر گاه بحث گفتمان به میان می‌آید، سخن نیز به عنوان یک امر یا جریان مرتبط با گفتمان مطرح می‌شود.» (شعیری، ۱۳۸۴: ب: ۱۸۸ و ۱۸۹) به عقیده ژاک فونتنی سخن «عملیاتی است که نمی‌توان در آن روند تولید یعنی گفتمان را از محصول آن یعنی گفته جدا کرد» (Fontanille, 1998: 81). «معنا شناسی نوین با دیدگاهی فلسفی و نه صرفاً زیان‌شناختی به مسئله گفتمان می‌پردازد و نگرانی اصلی‌اش مطالعه تاثیراتی

1. Benveniste
2. énonciateur

نشانه_معناشناسی متأثر از جریان پدیدارشناسی و پذیرش حضور عامل انسانی به عنوان عامل حسی_ادراکی است. آنچه تعیین کننده معناست، نوع حضور فاعل در مقابل پدیده و یا نوع احساس و ادراک او از آن است» (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

«در واقع حضور یک کنشگر^۱ گفتمانی که عهده‌دار موضع‌گیری گفتمانی است ما را با جریانی نو مواجه می‌کند که تولید معنا را با شرایط حسی_ادراکی پیوند می‌زند. نظام ادراک حسی نظامی است مبتنی بر حضور که در آن تولید معنا با رجعت به شرایط پدیدار شناختی میسر می‌باشد. در نظر گرفتن بنیان‌های ادراک حسی تولید معنا سبب می‌گردد تا دیگر معنا را امری کلیشه‌ای، مکانیکی، ثابت و منجمد ندانیم» (شعیری، ۱۳۸۴ الف: ۱۳۲). «در این رویکرد فرآیند تولید معنا با شرایط حسی_ادراکی پیوند خورده و نشانه‌ها همراه با معنا به گونه‌ای سیال و پویا و متکثر و چند بعدی تبدیل می‌شوند. فونتنی در تعریف خود از معنا آن را ماده‌ای می‌داند که می‌تواند ماهیت فیزیکی، روان شناختی، اجتماعی و یا فرهنگی داشته باشد. گرچه این ماده تنها تحت قوانین جهان فیزیکی، روان شناختی و اجتماعی عمل نمی‌کند بلکه حاصل پیوند و ارتباط تنش‌ها و جهات است» (Fontanille, 1998: 21).

«بدین ترتیب فونتنی نیز معنا را پیوسته در حال بازسازی می‌داند که تنها قوانین ساختاری و درون نظامی نمی‌تواند آن را متحول نماید بلکه معانی در ارتباطات

شرایط تولید و چگونگی کارکرد آنها در سخن‌ایم» (شعیری، ۱۳۸۴ ب: ۱۹۳).

ادراک حسی از اموری است که بیرون از ما قرار دارند در عین حال امری دورنی است. مرلوپونتی ادراک حسی را نقطه عزیمت خود برای دریافت لایه اصلی تجربه ما از عالم قرار می‌دهد، که بر هر تفسیر علمی تقدم دارد (طالب‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۳). بنابراین، علم متن معانی است و ادراک حسی از مجرای بدن نخستین مرتبه تماس ما را با عالم رقم می‌زند. ادراک حسی ملاحظه معنای موجودی درون عالمی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها ظاهر می‌شود، این معنا بر هر حکمی مقدم است (طالب‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۶).

از نظر مرلوپونتی، ادراک حسی اولیت دارد و این بدین معناست که ادراک حسی وجه ابتدایی آگهی است و در هر یک از تجارب و افعال حتی تجارب عقلانی علمی و تاریخی، مدخلیت دارد و در واقع، پایه پدیدارشناسی عقل، تاریخ و فرهنگ است. مرلوپونتی می‌گوید: «منظور من از اولیت ادراک، آن است که تجربه ادراک به معنای حضور ماست در لحظه‌ای که اشیا، حقایق و ارزش‌ها بر ما ساخته می‌شوند. مساله این نیست که معرفت بشری به تجربه حسی فروکاسته شود، بلکه حضور و یاری رسانیدن در لحظه تولد این معرفت است و اینکه به این معرفت همان معنایی را ببخشیم که در امر محسوس نهفته است» (طالب‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۶، ۶۷). «با طرح این نظریات رجوع به سرچشمه ادراک حسی دخیل در تولید معنا مطرح می‌گردد. دیدگاه

انسانی و تنش موجود در میان فرآیندهای دلالت است که سبب می‌شود معانی تازه و جدیدی تولید شوند.

پایگاه حسی_ادراکی ایجاد کننده نوعی حضور است که بر اساس آن فضایی تنشی شکل می‌گیرد. در نظریه فرآیند تنشی گفتمان، مسئله‌ی رابطه‌ی بین عناصر نشانه_معنایی، به گونه‌ای متفاوت از گونه‌های ساختاری و تقابلی مطرح می‌گردد. در واقع، به جای این‌که ما رابطه‌های تثبیت شده‌ی تقابلی داشته باشیم، رابطه‌های نوسانی داریم که می‌تواند از صفر تا صد در نوسان باشد... به عبارت دیگر، در این رابطه، کنش‌گری با بنیان‌های حسی_ادراکی در تعامل با دنیا قرار می‌گیرد.

جهت‌گیری گفتمان جهت‌گیری قالبی از قبل تعیین‌شده با عناصر تثبیت یافته نیست. چنین تعبیری نشان می‌دهد که بر خلاف مفاهیم کلاسیک نشانه‌شناختی که کنش‌گر و کنش‌پذیر (ایژه) را دو دنیای متفاوت و مستقل یا رو در روی هم می‌داند، در مفهوم تنشی گفتمان این دو بدون هیچ برتری بر یکدیگر در تعامل کامل و حتی هم‌کنشی قرار دارند» (شعیری، ۱۳۸۹).

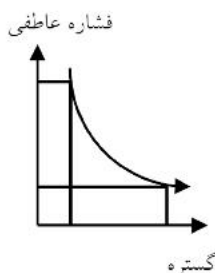
«طرحواره تنشی دارای دو بعد فشاره‌ای و گستره‌ای است. بر اساس منطق حاکم بر چنین فرآیندی، بعد فشاره‌ای همان بعد عاطفی است که از حساسیت بالایی برخوردار است و بعد گستره‌ای همان بعد هوشمند است که سبب گشایش تعدد و فاصله می‌گردد... تعامل بین دو بعد فشاره‌ای و گستره‌ای یا ما را به سوی فشاره عاطفی هدایت می‌کند که در این صورت تنش در بالاترین شکل آن تحقق می‌پذیرد و یا ما را با گستره

شناختی مواجه می‌سازد که در این حالت با افت تنش عاطفی و گستردگی بالایی که رهایی سخن را در بردارد روبه‌رو می‌شویم. پس می‌توان نتیجه گرفت که فشاره بالا در فرآیند تنشی یعنی تحقق بعد عاطفی و گستره بالا در همان فرآیند به معنی تحقق بعد شناختی است» (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

برای نشان دادن هر چه بهتر این رابطه‌ی نوسانی و سیال، می‌توان از محور X و Y کمک گرفت. بر اساس نظریه ژاک فونتنی - کلود زیلبربرگ طرحواره تنشی فرآیند گفتمان چهار گونه دارد. این طرحواره از اصل محور X و Y پیروی می‌کند. محور Y همان محور قبض یا فشاره (دورنه) عاطفی است و محور X همان محور بسط یا گستره (برونه) شناختی. تعامل دو محور X و Y به وجود آورنده چهار حالت زیر است:

۱. طرحواره فرآیندی افت یا تنزل تنش (نمودار ۱)

«در این حالت ما با افت یا کاهش فشار عاطفی و گسترش گونه‌های شناختی مواجهیم. این طرحواره ما را با فرآیندی مواجه می‌سازد که می‌توان آن را به گذر از تکانه عاطفی یا هیجانی شدید به سوی نوعی گشودگی یا انبساط معنایی که همان گستره‌های شناختی هستند، تعبیر نمود.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۳۵).



نمودار ۱- طرحواره‌ی فرآیندی افت یا تنزل تنش

۳. طرحواره فرآیندی افزایش هم‌زمان قدرت فشارها و گستره‌ها (نمودار ۳)

«در این حالت، ما با افزایش هم‌زمان فشار بر روی محور عاطفی و رشد گستره شناختی مواجهیم. پس، بر روی دو محور حرکتی رو به رشد وجود دارد. پس در این فرآیند، فشارهای عاطفی هم‌زمان با گستره‌های عاطفی قدرت می‌گیرند و راه صعود یا اوج را می‌پیمایند. یعنی اینکه، هر چه بر قدرت فشارها افزوده شود، به همان میزان بر قدرت گستره‌ها نیز افزوده می‌گردد و بالا رفتن یکی سبب کاهش یا افت قدرت دیگری نمی‌شود. به عبارت دیگر هیجانانگیز و منطقی شناختی یا به پای یکدیگر پیش می‌روند و رشد فشارها با رشد گستره‌ها همراه است. مشاهده می‌شود که یک عامل کمی که همان گستره شناختی است، وجود دارد که تقویت آن سبب تقویت عامل کیفی یعنی فشار عاطفی می‌گردد. دو جریان عاطفی و شناختی در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و به این ترتیب فرآیند تنشی سخن تحقق می‌یابد.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۲)

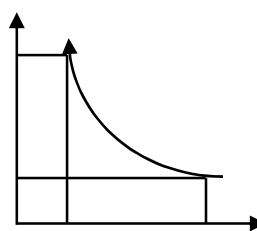
این محور نشان دهنده رشد یکسان گونه عاطفی و گونه شناختی است. لذا رابطه‌ای که بدست می‌آید، رابطه هم‌سو نامیده می‌شود. یعنی به همان میزان که عناصر کیفی بر روی محور Y رشد می‌یابند، عناصر کمی نیز بر روی محور Y اوج می‌گیرند. از این رابطه هم‌سو، منحنی صعودی هم‌سو به دست می‌آید. (شعیری، ۱۳۸۹)

«هر چه در محور Y کاهش کیفیت و افت فشار عاطفی مواجه می‌شویم، در محور X با گسترده‌گی و انتشار عناصر کمی مواجه هستیم. به همین دلیل منحنی افت عاطفی بدست می‌آید.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۳۷)

۲. طرحواره فرآیندی افزایش یا اوج فشار عاطفی (نمودار ۲)

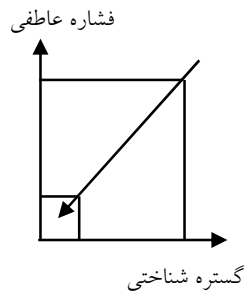
«این طرحواره که نقطه مقابل طرحواره قبلی است ما را به سوی آنچه می‌توان آن را اوج حضور عاطفی یا فشار بالا نامید، هدایت می‌کند. یعنی اینکه کلیه عناصر و نشانه‌های مطرح به گونه‌ای عمل می‌کنند که ما به سوی آنچه نقطه انفجار یا تکانه نهایی نامیده می‌شود، رانده شویم. این نقطه اوج عاطفی که خود بر راهبردهای نشانه‌ معنایی گسترده قبلی تکیه دارد، به نحوی بسیار فشرده معرف همه جریاناتی است که گفتمان قبل از آن در بر داشته است. در هر حال، افزایش فشار عاطفی با کاهش و محدودیت فضایی گستره‌های شناختی برخورد می‌نماید و نتیجه آن محوری با گستره شناختی پایین است.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۳۷ و ۳۸) (نمودار ۲)

فشار عاطفی



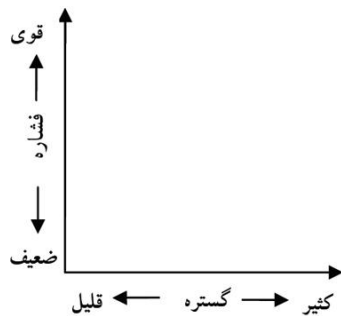
گستره شناختی

نمودار ۲. طرحواره فرآیندی افزایش فشار عاطفی

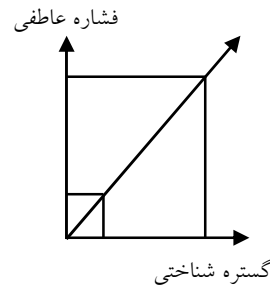


نمودار ۴- طرحواره فرآیندی کاهش هم‌زمان قدرت فشارها و گستره‌ها

طیفی از کمینه تا بیشینه تعریف می‌شوند. فشاره در سویه بیشینه‌اش شورمند (قوی) و در سویه بیشینه‌اش خموده (ضعیف) است، و گستره در سویه بیشینه‌اش منتشر (کثیر، پر شمار) و در سویه کمینه‌اش متمرکز (قلیل، کم شمار) است. با لحاظ وجه نامگذاری الگوی تنشی، فشاره بر تنش میان قوی -ضعیف (شورمند - خموده) و گستره بر تنش میان کثیر (منتشر) - متمرکز (استوار است).» (مصطفوی-۱۳۹۲-۳۱)



«از سوی دیگر، سویه‌های انتهایی فشاره و گستره نماینده مناطق بیشینه و کمینه‌اند. چنان که پیداست، قطب‌های نشانه-معنایی و حدود مقوله در آن دو منطقه اساسی حاصل از دو گونه هم‌پیوندی، و در مناطق بیشینه و کمینه جای می‌گیرند. از ترکیب این دو اصل، چهار منطقه به عنوان مناطق قطب‌های نشانه-معنایی خواهیم داشت:

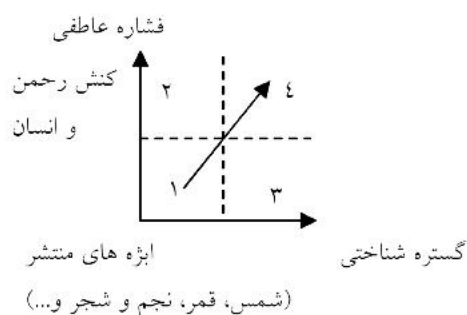


نمودار ۳- طرحواره فرآیندی افزایش هم‌زمان قدرت فشارها و گستره‌ها

۴. طرحواره فرآیندی کاهش هم‌زمان قدرت فشارها و گستره‌ها

«در این فرآیند به همان اندازه که از قدرت و اهمیت فشارها کاسته می‌شود، گستره‌ها نیز قدرت و اهمیت خود را از دست می‌دهند. شاید در بسیاری از موارد این کاهش قدرت به گونه‌ای باشد که نوعی بی‌ارزش عمومی بر دنیای گفتمان حاکم گردد. گویا دیگر چیزی به نام ارزش وجود ندارد.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۴۲) «پس می‌توان نتیجه گرفت که در روند کاهش قدرت فشارها و گستره‌ها توأمان با افت بعد عاطفی و بعد شناختی مواجهیم. هر چه از قدرت یکی کاسته شود از قدرت دیگری نیز کاسته می‌شود و سیری نزولی بر روی محور X و Y حاکم است. پس فرآیند تنشی حاکم بر این گفتمان فرآیندی با سیر نزولی است. تنشی حاکم بر این گفتمان فرآیندی با سیر نزولی است. محور زیر نشان می‌دهد که محدودیت و بستگی فضا، سردی و رکود عاطفی و هیجانی را به همراه دارد. باز هم در اینجا رابطه‌ای مستقیم اما از نوع کاهشی مطرح است. منحنی بدست آمده در این نمودار سقوط هم‌زمان عناصر کمی و کیفی را نشان می‌دهد.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۴۳ و ۴۴).

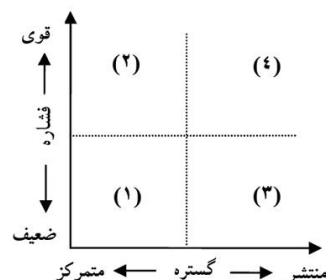
رحمت عمومی و همگانی خداست، رحمتی که مومن و کافر و دنیا و آخرت را در بر دارد، و در آخر نیز، سوره با آیه «تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام» ختم می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۵۵). در این آیات باید بحث کرد که محتوای ذکر شده، در سطح بیان و گفتمان چگونه صورت‌بندی شده‌اند و شکل یافته‌اند. الگوی تنشی تبیینی از گونه‌های صورت‌بندی بیانی و گفتمانی بر اساس ترکیب ابعاد شناختی و عاطفی (گستره‌ای و فشاره‌ای) به دست می‌دهد.



نمودار ۵- الگوی تنشی آیات ۱-۷

در آیات ۱-۴ تنها با رحمن و انسان به مثابه دو ابژه مواجه نیستیم، بلکه با کنش رحمن مواجهیم که وضعیتی سوژه‌ای را شکل داده است. انسان نیز در اثر کنش رحمن، «بیان» آموخته و سوژه‌ای تر شده است. این کنش را می‌توان از تفسیر حجت السلام قرائتی نیز دریافت: «تعلیم قرآن به انسان، جلوه‌ای از رحمت الهی است. قرآن، قابل درک و شناخت برای بشر است... انسان، در سایه فراگیری قرآن، به کمال خلقتش دست می‌یابد. قدرت بیان و سخن گفتن، هدیه الهی به انسان است» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹). در آیات ۵ و ۶ شمس و قمر و نجم و شجر، نیز تنها ابژه‌های منتشر نیستند، بلکه

- ۱) منطقه فشاره ضعیف و گستره متمرکز
- ۲) منطقه فشاره قوی و گستره متمرکز
- ۳) منطقه فشاره ضعیف و گستره منتشر
- ۴) منطقه فشاره قوی و گستره منتشر



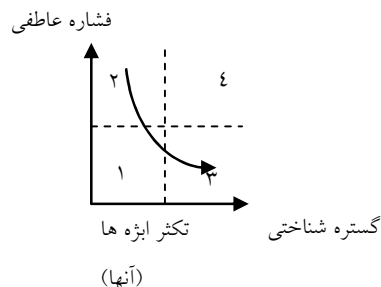
این چهار منطقه در فضای تنشی این گونه تصویر می‌شوند» (fontanille, 2006: 39-41).

بررسی الگوهای تنشی سوره الرحمن

الگوی تنشی آیات ۱ تا ۷: الرَّحْمَانُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴) الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷).

کلمه الرحمن به عنوان اولین آیه در واقع عصاره کلام الهی در کل سوره می‌باشد. آیت الله مکارم شیرازی نیز در این رابطه می‌فرماید: «این سوره با نام خداوند رحمن آغاز شد، و با نام پروردگار ذوالجلال و الاکرام پایان می‌گیرد، و هر دو هماهنگ با مجموعه محتوای سوره است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۳/۱۹۸) همچنین آیت الله طباطبایی در خصوص واژه رحمن به عنوان اولین آیه سوره می‌فرماید: «به همین مناسبت است که این سوره با نام رحمان آغاز گردید، صفت

می‌توان گفت که سیر گفتمان از الگوی نزولی (سیر از منطقه ۲ به منطقه ۳) پیروی می‌کند. (نمودار ۷)



نمودار ۷- الگوی تنش‌ی آیات ۱۰-۱۲

الگوی تنش‌ی آیه ۱۳: در سوره الرحمن آیه «فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبُونَ» ۳۱ بار تکرار شده است که جزو پر تکرارترین آیات قرآن است. در این آیه خداوند انس و جن هر دو را مخاطب خود قرار داده و بعد از هر بار ذکر نعمتی این سوال را از آنها پرسیده است.

در خصوص مسئله تکرار و آهنگ ایجاد شده توسط این آیه و تاثیر آن در سیر تنش‌ی گفتمان سوره در قسمت تحلیل الگوی تنش‌ی کلی سوره مفصل صحبت می‌شود.

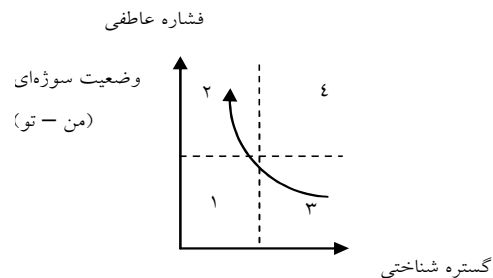
فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبُونَ (۱۳).

بیان پرسشی و دوم شخص در متن این آیه فضایی گفت و گویی را تصویر کرده است، صحنه گفت و گوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب (تو) و همچنین نسبت به آیات پیشین ایزه‌های منتشر جای خود را به سوزده‌های متمرکز (جن و انس) داده است. پس سیر گفته‌ای به سمت گفته‌پرداز دیده می‌شود و گفتمان آیه از الگوی تنش‌ی صعودی پیروی می‌کند. (نمودار ۸)

وضعیت سوزده‌ای یافته‌اند؛ شمس و قمر چون سوزده متحرک روان‌اند و نجم و شجر همچون انسان سجده می‌برند و عبادت می‌کنند. بدین ترتیب صورت‌بندی گفتمانی‌ای که در آن ایزه‌های منتشر به صورتی هماهنگ بعد سوزده‌ای-عاطفی نیز یافته‌اند، از الگوی تنش‌ی افزایشی (سیر تنش‌ی از منطقه ۱ به ۴) پیروی می‌کند. (نمودار ۵)

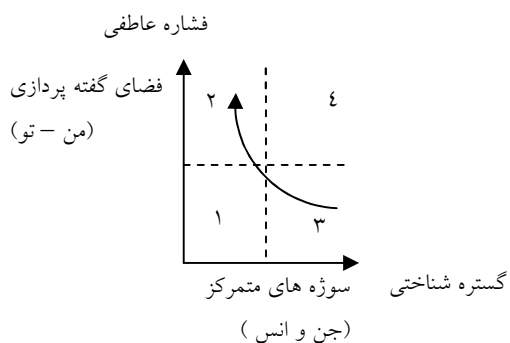
الگوی تنش‌ی آیات ۸-۹: أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَ أَفِيْمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)

در این دو آیه به دلیل بازگشت از فضای گفته‌ای و پیوست به فضای گفته‌پرداز و سیر از وضعیت ایزه‌ای‌تر (او، آنها) به سوی وضعیت سوزده‌ای‌تر (من-تو)، فشاره عاطفی گفتمان افزایش می‌یابد. بنابر این فرآیند تنش‌ی گفتمان در این دو آیه سیری صعودی دارد. (نمودار ۶)



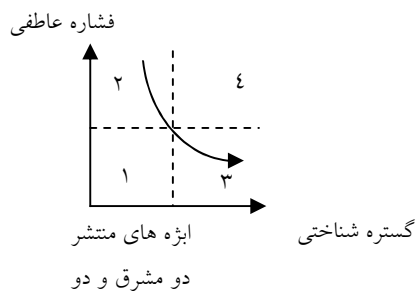
نمودار ۶- الگوی تنش‌ی آیات ۸-۹

الگوی تنش‌ی آیات ۱۰-۱۲: وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَآكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرِّيحَانُ (۱۲) به نسبت دو آیه قبل، در آیات ۱۰ تا ۱۲ گفتمان به سوی گسترش فضای گفته‌ای و افق‌های شناختی و تکرار ایزه‌ها (آنها) رفته است. پس



نمودار ۱۰. الگوی تنشی آیه ۱۶

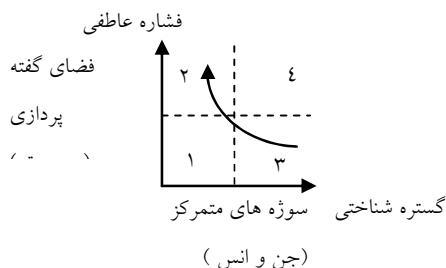
گفتمان سوره در این آیه به سوی گسترش فضای گفته‌ای و افق‌های شناختی و ابزارهای منتشر (آنها) رفته است. پس گفتمان آیه از الگوی تنشی نزولی پیروی می‌کند. (نمودار ۱۱)



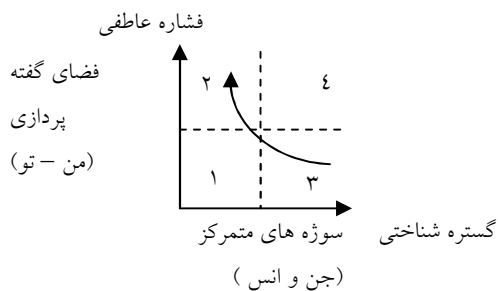
نمودار ۱۱- الگوی تنشی آیه ۱۷

الگوی تنشی آیه ۱۸: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸).

در این آیه مانند آیات ۱۳ و ۱۶ بازگشت به فضای گفته‌پردازی (من- تو) باعث افزایش فشار عاطفی



نمودار ۱۲- الگوی تنشی آیه ۱۸



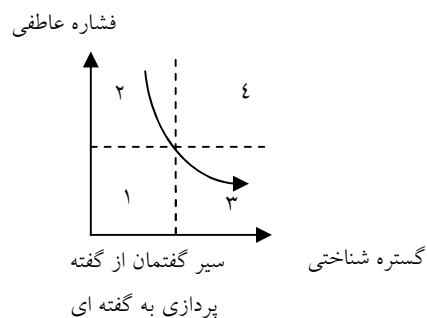
نمودار ۸. الگوی تنشی آیه ۱۳

الگوی تنشی آیه ۱۴- ۱۵: خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ

كَالْفَخَّارِ (۱۴) وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ (۱۵)

در این آیات گفتمان سوره از فضای گفته‌پردازی آیه قبل به سمت فضای گفته‌ای سیر کرده است. پس از فشاره گفتمان کاسته شده و گفتمان آیات از الگوی تنشی نزولی

پیروی می‌کند. (نمودار ۹)



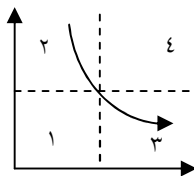
نمودار ۹. الگوی تنشی آیات ۱۴-۱۵

الگوی تنشی آیه ۱۶: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶).

در این آیه بازگشت به فضای گفته‌ای دوباره تکرار می‌شود و جن و انس به صورت متمرکز و فشرده مورد خطاب صاحب گفته (خدا) قرار گرفته‌اند. پس الگوی تنشی صعودی مجدداً تکرار می‌گردد. (نمودار ۱۰)

الگوی تنشی آیه ۱۷: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷).

فشاره عاطفی



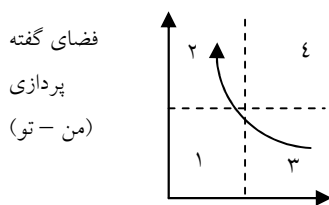
گستره شناختی
ابژه ای منتشر (آنها)

نمودار ۱۵. الگوی تنش‌ی آیات ۲۲

حضور ابژه‌های دیگر (آنها) در گفتمان این آیه مشهود است و گفتمان این آیه بازگشت به جهان گفته‌ای محسوب می‌شود. بدین ترتیب گفتمان این آیه مبتنی بر الگوی تنش‌ی نزولی است. (نمودار ۱۵)

الگوی تنش‌ی آیه ۲۳: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ الگوی تنش‌ی صعودی بر طبق الگوی پیشین این آیه بر تکرار مجدداً در این آیه بیان می‌شود. (نمودار ۱۶)

فشاره عاطفی



فضای گفته
پردازی
(من - تو)

گستره شناختی
سوژه‌های متمرکز
(جن و انس)

نمودار ۱۶. الگوی تنش‌ی آیه ۲۳

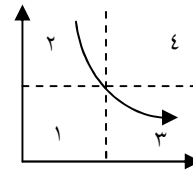
الگوی تنش‌ی آیه ۲۴: وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴) ابژه‌های منتشر (کشتی‌ها - دریاها) که در صورت‌بندی گفتمانی «او» بیان شده باعث افزایش بعد شناختی گفتمان در آیه شده است و الگوی تنش‌ی نزولی را مطرح می‌کند. (نمودار ۱۷).

الگوی تنش‌ی آیه ۲۵: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵).

می‌شود و الگوی تنش‌ی صعودی را نشان می‌دهد. (نمودار ۱۲)

تنش‌ی آیه ۱۹-۲۰: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰).

فشاره عاطفی



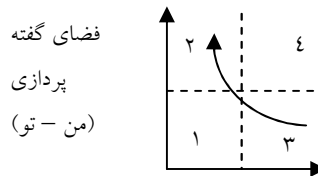
گستره شناختی
پدیده‌های منتشر
... دریاها...

نمودار ۱۳. الگوی تنش‌ی آیات ۱۹-۲۰

با وجود پدیده‌های منتشر و گسترده (دریاها)، فشاره موجود در آیه قبل کاسته شده و بر گستره شناختی گفتمان در این آیه افزوده است که الگوی تنش‌ی نزولی را نشان می‌دهد. (نمودار ۱۳)

الگوی تنش‌ی آیه ۲۱: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱). وجود ابژه‌های متمرکز (جن و انس) دوباره پیوست به فضای گفته‌پردازی (من-تو) را محقق می‌کند و الگوی صعودی را نشان می‌دهد. (نمودار ۱۴)

فشاره عاطفی



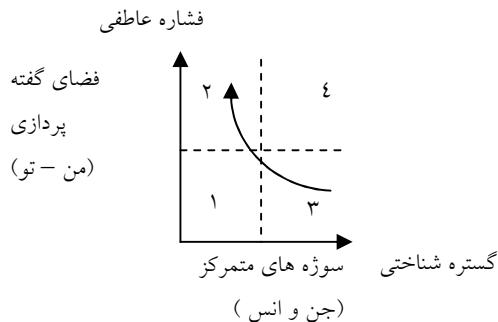
فضای گفته
پردازی
(من - تو)

گستره شناختی
سوژه‌های متمرکز
(جن و انس)

نمودار ۱۴. الگوی تنش‌ی آیه ۲۱

الگوی تنش‌ی آیه ۲۲: يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

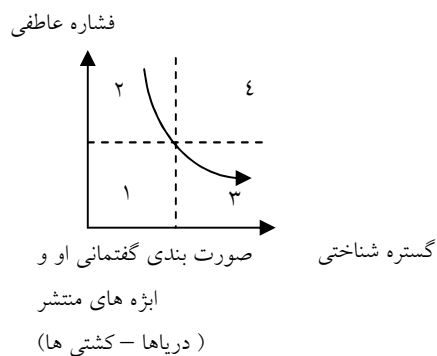
من-تو (شما) ارجاع دارند، از الگوی تنشی صعودی پیروی می‌کند. (نمودار ۱۹)



نمودار ۱۹. الگوی تنشی آیات ۲۷-۲۸

الگوی تنشی آیه ۲۹: *يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ*

در آیه با بازگشت به فضای گفته‌ای (او-آنها) بعد شناخت گفتمان بالا رفته و الگوی تنشی نزولی را ایجاد

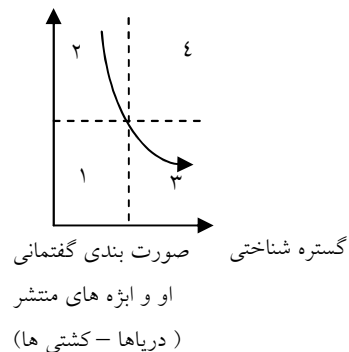


نمودار ۲۰. الگوی تنشی آیه ۲۹

می‌کند. (نمودار ۲۰)

الگوی تنشی آیات ۳۰-۳۶: *فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰) سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲) يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانِ (۳۳) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴) يُرْسَلُ*

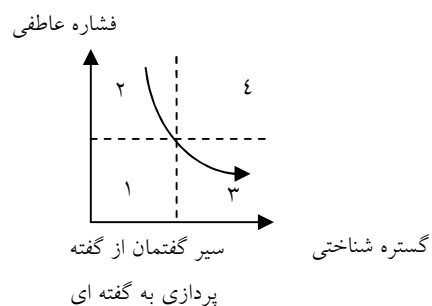
فشاره عاطفی



نمودار ۱۷. الگوی تنشی آیات ۲۴

در گفتمان این آیه تکرار مجدد الگوی تنشی صعودی با مطرح شدن فضای گفته‌پردازي (من-تو) دیده می‌شود. (به علت تکرار و حجم کم مقاله پس از این از رسم مجدد الگوی آن صرف نظر می‌شود).

الگوی تنشی آیات ۲۶: *كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)*. در این آیه فشاره عاطفی با سیر از فضای گفته‌پردازي آیه پیش به منطقه گفته‌ای کاهش یافته از الگوی تنشی نزولی پیروی می‌کند. (نمودار ۱۸)



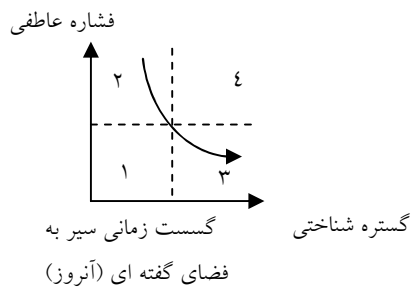
نمودار ۱۸. الگوی تنشی آیه ۲۶

الگوی تنشی آیات ۲۷-۲۸: *وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)*. آیه ۲۷ *وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ* و آیه ۲۸ *فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* که به فضای گفته‌پردازي

بدین ترتیب فرآیند گفتمانی این آیات از الگوی صعودی پیروی می‌کند؛ سیر از منطقه ۳ با گستره منتشر و فشاره ضعیف، به سوی منطقه ۲ با گستره متمرکز و فشاره قوی. (نمودار ۲۱)

الگوی تنشی آیه ۳۷: فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷).

در گفتمان این آیه تصویر عمومی رستاخیز از چشم انداز گستره در گسست زمانی (آن وقت - روزی) بیان می‌شود و الگوی تنشی نزولی را نشان می‌دهد. (نمودار ۲۲)



نمودار ۲۲. الگوی تنشی آیه ۳۷

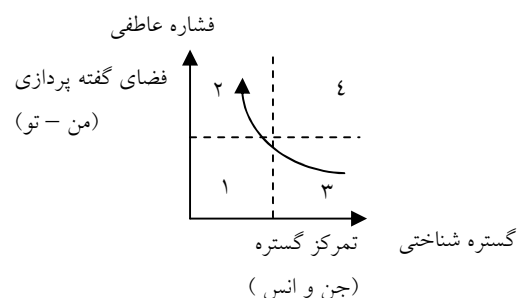
الگوی تنشی آیه ۳۸: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸). الگوی تنشی صعودی با بازگشت دوباره به فضای دیالوگی و گفته پردازی در گفتمان این آیه تکرار می‌شود.

الگوی تنشی آیه ۳۹: فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ (۳۹) گفتمان این آیه با گسست زمانی (آن روز) بیان می‌شود و با افزایش گستره شناختی الگوی تنشی نزولی را طرح می‌کند. (نمودار ۲۳)

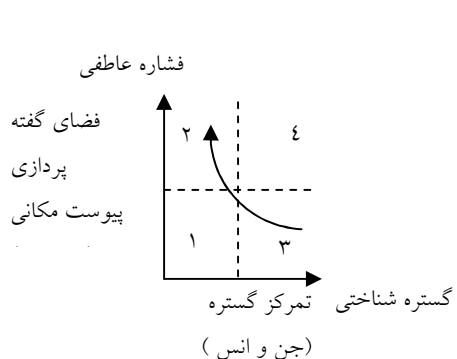
الگوی تنشی آیه ۴۰: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰).

عَلَيْكُمَا شَوَاطِئٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶).

در این آیات فضای دیالوگی من-تو میان گوینده سخن (خداوند) و جن و انس باعث افزایش فشاره عاطفی گفتمان می‌شود. در فرآیند گفتمانی این آیات از یکسو به دلیل فضای گفته پردازی من-تو، بعد عاطفی بر بعد شناختی غلبه یافته، یا به تعبیر مختصاتی، نمودار تنشی به سوی محور Y (فشاره‌ای) کشیده شده است. در ساحت تحلیل بعد گستره نیز، به جای بیان تفصیلی انسان‌ها و جن‌ها، کلشان در بیان کاملاً مجمل «تقلان» و بیان نسبتاً مجمل «الإنس و الجن» فشرده شده‌اند، و این نشانه‌ای است بر اینکه بعد شناختی نیز به سوی تمرکز (و نه انتشار و تفصیل) جهت یافته است. به بیان مختصاتی، فرآیند گفتمان از مناطق انتشار گستره (۳) و (۴) به سوی مناطق تمرکز گستره (۱) و (۲) حرکت کرده است. چرا که به جای اینکه بگوید همه قبایل و ملل در شمال و جنوب و شرق و غرب زمین، همه عرب و عجم، با همه تنوع در نژاد و رنگ و زبان... همه را در «انس» فشرده و متمرکز کرده است و همه گونه‌ها و اقسام جن‌ها را در «جن» متمرکز کرده است.



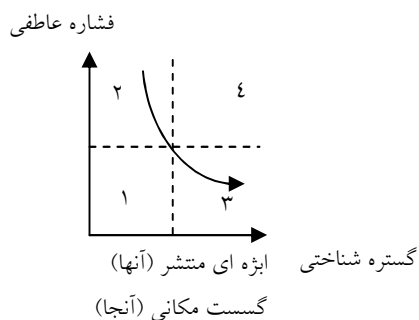
نمودار ۲۱. الگوی تنشی آیه ۳۰



نمودار ۲۵. الگوی تنشی آیه ۴۲-۴۳

در این آیه پیوست به فضای گفته‌پردازی مجدد محقق شده و در گفتمان آیه ۴۳ پیوست مکانی (اینجا) دیده می‌شود و پیوست گفته‌پردازی در هر دو آیه الگوی تنشی صعودی را مطرح می‌کند. (نمودار ۲۵)

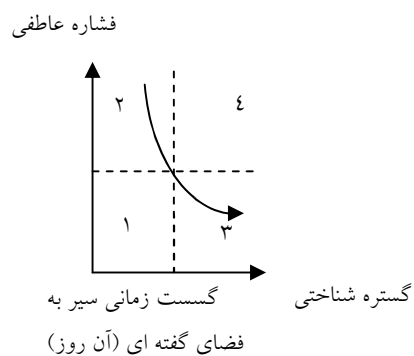
الگوی تنشی آیه ۴۴: يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ (۴۴)



نمودار ۲۶. الگوی تنشی آیات ۴۴

بازگشت به فضای گفته ای با گسست مکانی (آنجا) و ابژه‌های منتشر (آنها) در گفتمان آیه دیده می‌شود پس گفتمان آیه از الگوی تنشی نزولی پیروی می‌کند. (نمودار ۲۶)

الگوی تنشی آیه ۴۵: فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۴۵)

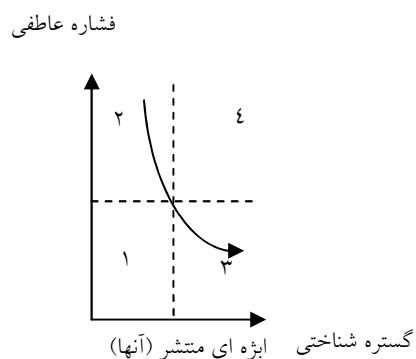


نمودار ۲۳. الگوی تنشی آیه ۳۹

افزایش دوباره فشاره عاطفی به واسطه سیر گفتمان آیه به سمت فضای گفته‌پردازی الگوی تنشی صعودی را مطرح می‌کند.

الگوی تنشی آیه ۴۱: يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنُّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ (۴۱).

حضور ابژه‌های منتشر (مجرمین-آنها) در گفتمان آیه مشهود است و این امر الگوی تنشی نزولی را مطرح می‌کند. (نمودار ۲۴)



نمودار ۲۴. الگوی تنشی آیات ۴۱

الگوی تنشی آیه ۴۲-۴۳: فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۴۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳).

الگوی تنشی آیه ۴۹: فَبَآئِ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ الْكُوِي

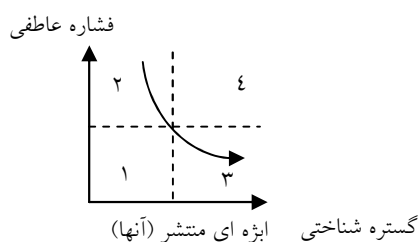
تنشی صعودی برای آیه پر تکرار مجدد تکرار می‌شود.

الگوی تنشی آیه ۵۰: فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ كَفْتَمَانِ آيه با

حضور ابژه‌های منتشر (آنها) به سمت فضای گفته‌ای

رفته و الگوی تنشی نزولی را ایجاد کرده. (نمودار ۲۹)

الگوی تنشی آیه ۵۱: فَبَآئِ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بازگشت



نمودار ۲۹. الگوی تنشی آیات ۵۰

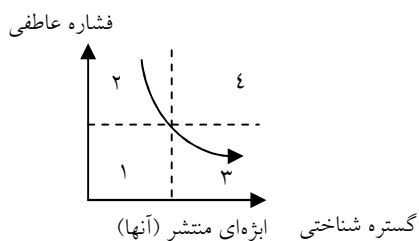
به فضای گفته پردازی (من - تو) مجدد باعث افزایش فشاره عاطفی شده و الگوی تنشی صعودی را ایجاد می‌کند.

الگوی تنشی آیه ۵۲: فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲).

تصویر کلی از بهشت‌ها (ابژه‌های منتشر) از چشم انداز

گستره مطرح شده و الگوی تنشی نزولی را ایجاد می

کند. (نمودار ۳۰)



نمودار ۳۰. الگوی تنشی آیات ۵۲

الگوی تنشی آیه ۵۳: فَبَآئِ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ الْكُوِي

تنشی صعودی این آیه پر تکرار مجدد مطرح می‌شود.

بازگشت دوباره به محل بیشترین فشاره و

محدودترین گستره الگوی تنشی صعودی را مطرح

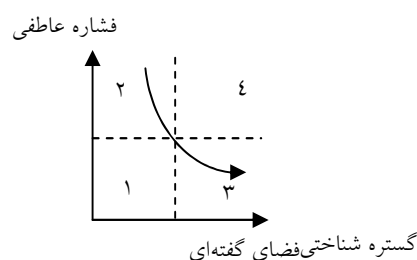
می‌کند.

الگوی تنشی آیات ۴۶: وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

(۴۶).

تداوم دوباره فضای گفته ای الگوی تنشی نزولی را

مطرح می‌کند. (نمودار ۲۷)



نمودار ۲۷. الگوی تنشی آیات ۴۶

الگوی تنشی آیات ۴۷: فَبَآئِ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فشاره

عاطفی با سیر گفتمان آیه پر تکرار سوره به سمت فضای

گفته پردازی (من-تو) افزایش یافته و گفتمان آیه از

الگوی تنشی صعودی پیروی می‌کند.

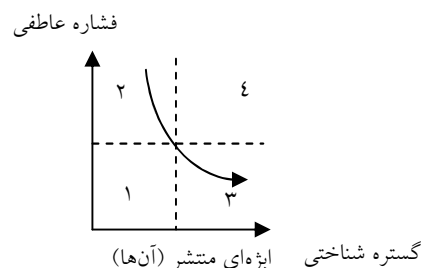
الگوی تنشی آیه ۴۸: ذَوَاتَا أَفْنَانٍ حضور ابژه‌های منتشر

(بهشت‌ها) در گفتمان این آیه مشهود است و باعث

کاهش فشاره عاطفی آیه قبل و افزایش گستره شناختی

می‌گردد و الگوی تنشی نزولی را نشان می‌دهد. (نمودار

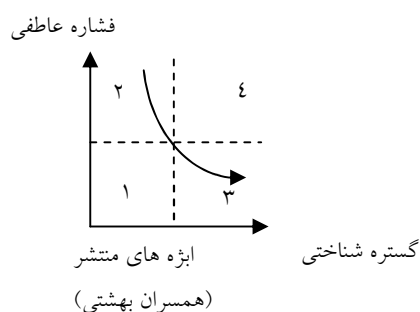
۲۸)



نمودار ۲۸. الگوی تنشی آیات ۴۸

الگوی تنشی آیه ۵۷: **فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** الگوی تنشی این سوره همانطور که قبلاً مطرح شد الگوی تنشی صعودی است.

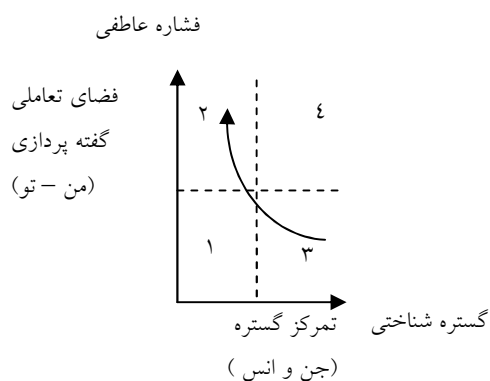
الگوی تنشی آیه ۵۸: **كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ** توصیف همسران بهشتی (ایژه‌های منتشر) از چشم انداز گستره در این آیه نیز ادامه دارد پس الگوی تنشی نزولی در این آیه نیز مجدد مطرح می‌شود. (نمودار ۳۳)



نمودار ۳۳. الگوی تنشی آیات ۵۸

الگوی تنشی آیات ۵۹-۶۱: **فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** (۵۹) **هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ** (۶۰) **فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** (۶۱)

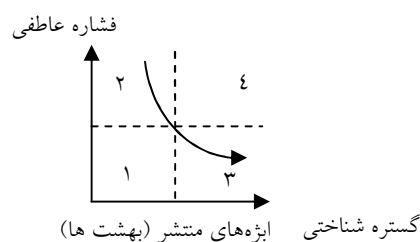
فضای گفتمان این سه آیه به خوبی نشان می‌دهد



نمودار ۳۴. الگوی تنشی آیه ۵۹-۶۱

الگوی تنشی آیه ۵۴: **مُتَكِينٍ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَّانِهَا مِنۢ إِبْتِرَاقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ** (۵۴)

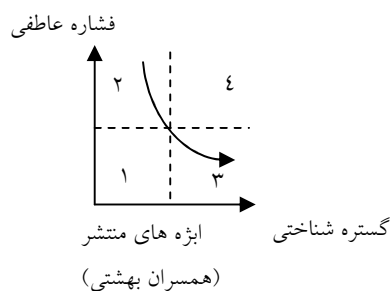
فضای گفتمان این آیه ادامه چشم‌انداز گستره‌ای از بهشت‌هاست و با افزایش بعد شناختی الگوی تنشی نزولی را مطرح می‌کند. (نمودار ۳۱)



نمودار ۳۱. الگوی تنشی آیات ۵۴

الگوی تنشی آیه ۵۵: **فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** الگوی تنشی این آیه مثل قبل الگوی تنشی صعودی است. الگوی تنشی آیه ۵۶: **فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ** **إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌ** (۵۶).

گسست مکانی و زمانی (آنجا و آنها) در گفتمان این آیه همچون آیات ۵۲ و ۵۴ مشهود است. این پیوست به فضای گفته‌ای باعث طرح الگوی تنشی نزولی در آیه می‌گردد. (نمودار ۳۲)

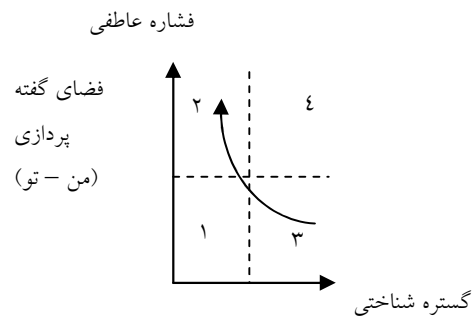


نمودار ۳۲. الگوی تنشی آیات ۵۶

الگوی تنشی آیات ۶۳ و ۶۵ و ۶۷ و ۷۱ و ۷۳ و ۷۵ همگی همان آیه پر تکرار سوره هستند بر اساس فضای گفته پردازی (من - تو) که قبل از این توضیح داده شده همگی از الگوی تنشی صعودی پیروی می‌کنند.

الگوی تنشی آیات ۷۷-۷۸: فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷) تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

آخرین آیات این سوره نیز که به فضای گفته پردازی من-تو (شما) ارجاع دارد، از الگوی تنشی صعودی پیروی می‌کنند. (نمودار ۳۶)



نمودار ۳۶. الگوی تنشی آیه ۷۸

الگوی تنشی کل سوره:

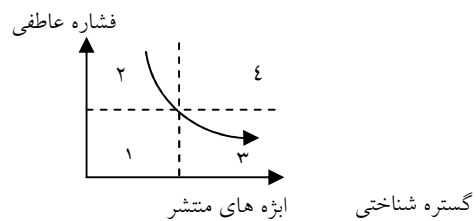
حال بر اساس الگوهای تنشی به دست آمده از آیات، طرح بزرگ‌تر الگوی تنشی کل سوره مطرح می‌شود که علاوه بر نشان دادن چگونگی تعامل فشارها و گستره‌های سوره، بحث ضرب آهنگ و تکرار در گفتمان سوره در آن به خوبی قابل مشاهده است.

از تعامل عوامل کمی و کیفی است که این نمودار به وجود آمده و نشان دهنده فضای تنشی حاکم بر سوره الرحمن است. و معنا در فضای تنشی تولید نمی‌شود مگر

که فرآیند گفتمان به سوی برجسته کردن فضای تعاملی گفته پردازی جهت یافته است. پس الگوی تنشی این آیات صعودی محسوب می‌شود. (نمودار ۳۴)

الگوی تنشی آیات ۶۲-۷۶: وَ مِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳) مُدْهَامَتَانِ (۶۴) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۵) فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۷) فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ (۶۸) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۹) فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۱) حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲) لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنَسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَأَجَانُّ (۷۴) فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۵) مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)

در این آیات علاوه بر یکی بودن مضمون (سخن از بهشت برین و همسران بهشتی در آنجا) سخن گفتن سخن‌پرداز از دیگر مکان‌ها (بهشت‌ها) و دیگران (همسران بهشتی) از چشم‌انداز گستره‌ای و نشان دادن گفته‌یاب در نقش تماشاگر صحنه دیده می‌شود و این امر سیر گفتمان این آیات را به سمت فضای گفته‌ای نشان می‌دهد. پس الگوی تنشی این آیات نزولی است. (نمودار ۳۵)



نمودار ۳۵. الگوی تنشی آیات ۶۲ و ۶۴ و ۶۶ و ۶۸ و ۷۰ و ۷۲ و ۷۴ و ۷۶

این نوعی بلاغت است. اگر کسی خرده بگیرد که چرا این آیه بعد از آیات عذاب تکرار شده است، باید گفت که این آیات بازدارنده از معاصی و در جهت ترغیب به انجام طاعات است و در واقع مضامین این آیات نیز از نعمت‌های الهی محسوب می‌گردد و چه بسا که تهدید و وعید خداوند اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر نعمت‌ها داشته باشد» (حجازی، ۱۳۸۳: ۱۶).

آیت الله مکارم شیرازی در این خصوص می‌فرماید: تکرار آیه آن هم در مقطع‌های کوتاه آهنگ جالب و زیبایی به سوره داده، و چون با محتوای زیبایی آمیخته می‌شود و جاذبه خیره‌کننده‌ای پیدا می‌کند... این استفهام، استفهام تقریری است که در مقام اقرار گرفتن می‌آورند... خداوند متعال از بندگانش بعد از ذکر این نعمت‌ها نسبت به یک یک آنها اقرار می‌گیرد، و این جمله را در ذکر نعمت‌های دیگر تکرار می‌کند... این تکرار نه تنها منافاتی با فصاحت ندارد بلکه خود یکی از فنون فصاحت است. (مکارم، ۱۳۸۷: ۲۳).

حجت الاسلام قرائتی نیز در خصوص تکرار در این سوره می‌فرماید: برای ایجاد یک فرهنگ، تکرار مسایل، مهم و ضروری است. تکرار، گاهی برای تذکر و یادآوری نعمت‌های گوناگون است. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۸۳/۹-۳۸۵).

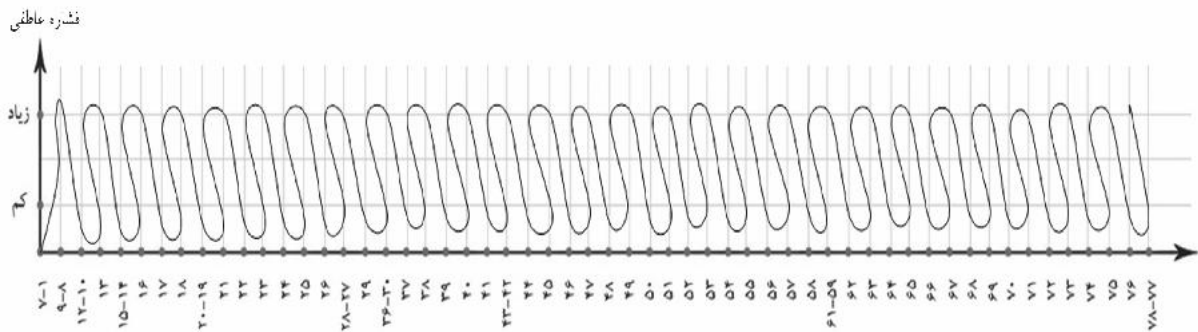
تکرار پی در پی این آیه در سوره به گفتمان سوره ضرب آهنگ خاصی را بخشیده است. شعیری در خصوص آهنگ کلام و یکی از نمودهای آن یعنی تکرار

با تعامل عناصر شناختی و عاطفی. براساس بررسی الگوهای تنشی آیات و کل سوره مشخص می‌شود که تعامل عوامل شناختی و عاطفی موجود در گفتمان سوره الرحمن فضایی تنشی را به وجود می‌آورد که احساس و ادراک مخاطب با آگاهی و شناخت آن در تعامل قرار می‌گیرد و در فضای تنشی و تعامل باهم ایجاد معنا می‌کنند.

در گفتمان سوره الرحمن آیه فبای الاء ربکما تکذبان عامل تحریک حسی انسان به عنوان سوزده حسی-ادارکی و به عنوان مهم‌ترین عنصر حسی-ادراکی حضور دارد. این آیه به طور پی‌درپی در سوره تکرار می‌شود.

«قرآن اعتقاد ندارد که تکرار لزوما مسئله‌ای پیش پا افتاده است. قرآن سرشار از تکرار مضمون و بیان است، همان‌گونه که از کتابی که خود را مذکر می‌نامد و دغدغه اصلی‌اش تبیین پیام الهی به شکاکان و معترضین و نیز مومنین و مسلمین است انتظار دیگری نمی‌رود. تکرار عقیده‌ای مذهبی را جلوه‌ای دو چندان می‌بخشد.» (حُرّی، ۱۳۸۶: ۳۳۹).

همه انواع تکرار در قرآن حاوی قصد و غرض خاصی می‌باشد، که تاثیر کلام را در جان شنونده می‌افزاید، خصوصا در این سوره تکرار لفظ و معانی آیه «فبای الاء ربکما تکذبان» نه تنها ملال‌آور نیست، بلکه شخصیت خفته آدمی را دگرگون می‌سازد. قاضی عبد الجبار می‌گوید که: «تکرار در این جا طرف مورد خطاب را بیشتر به منظور و مراد گوینده می‌رساند، که



نمودار ۳۷. الگوی تنش عاطفی سوره

گفتار که خود تجلی بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتار است، می تواند دارای نمودهای متفاوتی باشد. تکرار، استمرار، تراکم، تجدید، تداوم، درازا، کوتاهی یا بلندی، همه و همه عناصری هستند که همراه آهنگ گفتار هستند. پس آهنگ و نمود گفتار را می توان صورت‌هایی دانست که بر جریان عاطفی گفتار دلالت دارند و تعیین‌کننده سازه یک گونه عاطفی در گفتار هستند.» (همان: ۱۵۳)

دانستیم که تندی ضرب آهنگ در فضای تنش باعث تثبیت شیء می‌شود و همچنین تندی ضرب آهنگ، تحکیم شیء را در پی دارد. پس این عنصر حسی در ریتم تند و پشت سر هم تکرار می‌شود تا نعمت‌های گوناگون مادی و معنوی خداوند را به منکران یادآوری کرده و این نعمت‌ها را در ذهن مخاطب قرآن تثبیت کند.

آهنگ گفتار یک کمینه است که هدفی را دنبال می‌کند و با نمود و نظم خاصی ظاهر می‌شود. این آهنگ کلام حرکت در گفتار را نشان می‌دهد و تجلی بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتار است. همانطور که در نمودار نیز می‌بینیم در آیات ابتدای سوره با وجود

می‌گوید: «یکی از مباحث مهم در گفتار عاطفی بحث ضرب آهنگ است. ضرب آهنگ تعیین کننده نوع حضور گونه‌های حسی- ادراکی است. در این رابطه دو نوع هویت حضوری را می‌توان برای شیء قائل شد: در صورتی که ضرب آهنگ حاکم بر فضای تنش آهنگی کند باشد، ما با برجستگی‌های شیء حاضر مواجه می‌گردیم. یعنی با کندی ضرب آهنگ، برجستگی‌های شیء که با آن مواجهیم، تثبیت می‌گردد. اما اگر ضرب آهنگ تند یا شتابزده باشد، شیئی که با آن مواجهیم تثبیت می‌گردد. پس تندی ضرب آهنگ در فضای تنش تثبیت شیء را به همراه دارد، زیرا باعث خنثی شدن وجوه مختلف و گوناگونی که شیء می‌تواند از آن برخوردار باشد، می‌گردد. تندی ضرب آهنگ، تحکیم شیء را در پی دارد، در حالی که کندی آن، گونه‌های برجسته و گوناگون شیء را بر شوش‌گر نمایان می‌سازد.» (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

«بنابراین بر حسب تنش که در جسم شوش‌گر ایجاد می‌گردد، می‌توان از اثرات عاطفی آهنگ گفتار سخن گفت. در بسیاری از موارد، آهنگ گفتار را عنصر یا جنبه‌ای نمودی نیز همراهی می‌کند. در واقع، آهنگ

بزه‌های منتشر و همچنین هم‌کنشی عناصر گفتمان الگوی تنشی سوره به صورت افزایشی همزمان آغاز شده است. سپس ادامه الگوی تنشی سوره ریتم یکنواختی از فشاره‌های عاطفی که نتیجه خطاب مستقیم و فضای گفته‌پردازی (من-تو) و گستره معرفتی و سبب گفتمان بعضی آیات به سمت فضای گفته‌ای را ایجاد می‌کند، و ادراک و حس مخاطب را درگیر کرده و باعث ایجاد اثرات عاطفی در گفتمان شده است.

یعنی مخاطب، آهنگ کلام را که در نمود استمرار و تکرار تجلی یافته ادراک کرد و بر اساس آن دچار تنش‌های عاطفی و احساس برانگیختگی شده است. بر اساس نمودار می‌بینیم که بعد از استمرار و تکرار ریتم و ضرب آهنگ با پیشرفت هر چه بیشتر گستره شناختی و فشاره‌های عاطفی، حرکتی رو جلو در الگوی تنشی گفتمان سوره به وجود آمده است. این‌گونه با تعامل عناصر کمی و کیفی در گفتمان سوره، الگوی تنشی افزایشی ابتدای سوره تبدیل به ریتمی سینوسی و رو به جلو شده که نشانه از افزایش و درگیری احساس و ادراک مخاطب و تعامل فشاره‌های عاطفی و گستره‌های شناختی تا انتهای سوره است.

این ریتم رو به جلو و هیجانی تا انتهای سوره که ذکر نام خدا و صفت رحمانیت خداوند به صورت مستقیم به مخاطب سوره است، ادامه دارد. نام و صفت رحمانیت خداوند همچون مرحمی بر ذهن و ادراک مومن راستین می‌نشیند و فشاره عاطفی مثبت ایجاد می‌کند. (نمودار ۳۷).

بحث و نتیجه‌گیری

با پیوند نشانه‌شناسی و پدیدارشناسی انسان به عنوان سوژه حسی-ادراکی در همزیستی با دنیای پیرامون خود است و ادراک و احساس او در تولید معنا نقش دارد. این امر بعد حسی-ادراکی را در نشانه-معناشناسی مطرح کرد و باعث شد خوانش و ادراک انسان در دریافت‌های نشانه-معناشناسی مبتنی بر نظریه حضور در نگاه مرلوپونتی اهمیت پیدا کند. به همین علت نشانه-معناشناسی نگاهی فرآیندی به معنا دارد که در آن، معنا در مسیر خوانش و ادراک است که خلق می‌شود و با توجه به حضور انسانی در این ادراک دارای طیفی نوسانی می‌گردد که دریافت حسی آن را پویا و سیال می‌گرداند. پس به وسیله خوانش گفتمانی و بررسی نظام حسی-ادراکی دخیل در تولید معنا در گفتمان می‌توان به معانی جدید و سیال و دارای نوسانی دست پیدا کرد.

بنیان‌گذاران نظام نشانه-معناشناسی معتقدند بر اساس فضایی تنشی در گفتمان است که شرایط عاطفی گفتمان تنظیم می‌گردد. مطالعه فرآیند تنشی گفتمان در سوره الرحمن که در این مقاله به آن پرداخته شد نشان می‌دهد که گفتمان در این سوره از نظر تنشی دارای دو بعد شناختی و عاطفی است. بعد شناختی همان گستره‌های گفتمانی هستند و بعد عاطفی که فشاره‌های عاطفی را پدید می‌آورند.

تحلیل فرآیندهای گفتمانی در قرآن کریم به نوبه خود نشان می‌دهد که مطالعه معنا در قرآن کریم می‌تواند

از چارچوب سنتی مطالعه لفظ-معنا فراتر رود و متوجه تولید و صورت‌بندی نشانه-معنا در فرآیند گفتمان باشد. با توجه به همه ویژگی‌های کنشی و تنشی گفتمانی که در این مطلب به آن پرداختیم، پرسپکتیو جدیدی به روی مطالعات معنا در قرآن گشوده می‌شود که براساس آن دیگر نمی‌توان با نشانه‌ها به عنوان گونه‌های منفک، عناصر منقطع و در تقابل با عناصر دیگر برخورد نمود. گفتمان و نظام‌های تنشی و ارزشی آن چشمان پژوهشگران را بر زاویه‌های جدید می‌گشاید تا خواننده را با خوانشی دیگر از قرآن مواجه سازد.

در نظام تنشی موجود در این گفتمان عناصر کمی و کیفی قابل نوساند و دیگر مثل معنا شناسی ساختارگرا معناها تقابلی نیستند بلکه از تعامل گستره‌ها معرفتی و فشارها عاطفی حاصل می‌شوند. بررسی نظام تنشی سوره الرحمن به خوبی نشان می‌دهد که چگونه بین وجه معرفتی و وجه انگیزشی در قرآن تعامل و همکاری وجود دارد و این دو وجه قرآنی چگونه در کنار هم تولید معنا می‌کنند.

گفته‌پرداز در هر گفته در پی جلب توجه مخاطب بر روی یکی از عناصر گفته است. به همین جهت آن را در جایگاهی خاص قرار می‌دهد که زودتر از هر عنصر دیگری در گفته تجلی یابد. کل فضای گفته با دخالت گفته‌پرداز به فضایی گفتمانی تغییر می‌یابد که نتیجه آن ایجاد شرایط عاطفی و احساسی در گفتمان است. همانطور که در الگوی آیات سوره بررسی شد در بعضی آیات مثل آیه پر تکرار سوره آنجا که خداوند به عنوان

صاحب سخن مستقیم وارد فضای گفته پرداز (من-تو) با ابژه‌های متمرکز جن و انس می‌شود فضای گفتمان به سمت گفته‌پرداز می‌رود و ایجاد فشار عاطفی می‌کند و در بعضی آیات به طور مثال آنجا که گفتمان آیات از فضای گفته پرداز خارج شده و وارد فضای گفته‌ای می‌شود و از چشم انداز گستره‌ای ابژه‌های منتشر (نعمت-های خداوند، صحنه‌های جهنم و بهشت، همسران بهشتی و...) را بر می‌شمرد، باعث ایجاد گستره شناختی در گفتمان سوره می‌شود.

یکی از ابزارهای ایجاد حساسیت در مخاطب ضرب آهنگ است. ضرب آهنگ نوع حرکت و میزان تاثیر بر مخاطب را در جریان حسی-ادراکی و فضای تنشی تعریف می‌نماید. ریتم و آهنگ و نقاط فشار در فرآیند گفتمان، تغییرات تنشی را مشخص می‌کنند. بحث ریتم و آهنگ کلام را می‌توان در تکرار آیه فبای آلاء ربکما تکذبان در سوره الرحمن که نمودی از ضرب آهنگ کلام است، دید. وجود این آیه باعث ایجاد ریتم و ضرب آهنگ تند و یکنواختی در گفتمان سوره می‌شود که باعث تثبیت موضوع سوره الرحمن (رحمانیت خدا و تذکر و یادآوری نعمت‌ها) در ذهن و دل مومنان راستین می‌گردد.

منابع

- حجازی، بهجت السادات (۱۳۸۳). نیم نگاهی به عروس قرآن، موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه‌السلام)، فصلنامه بینات، ش ۴۱.

- حمدی زقزوق، محمود (۱۳۸۱). *انسان مخاطب کلام خدا در قرآن*، موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه‌السلام)، مجله بینات، ش ۳۶.
- شعیری، حمید رضا (۱۳۸۴). *مطالعه فرآیند تنشی گفتمان ادبی*، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دانشگاه تهران: ش ۲۵.
- خوش منش، ابوالفضل (۱۳۸۷). *زبان قرآن کریم و کارکردهای آن*، قم: پژوهش و حوزه، ش ۳.
- شعیری، حمید رضا (۱۳۸۸). *مبانی معناشناسی نوین*، تهران: نشر سمت.
- سعیدی‌روشن، محمد باقر (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی قرآن*، موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه‌السلام)، مجله بینات، ش ۱۷.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*، تهران: اندیشه اسلامی سازمان انتشاراتی موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، پژوهشگاه فرهنگ، ص ۳۵-۳۶-۴۶-۱۸۶-۲۱۶.
- سعیدی‌روشن، محمدباقر (۱۳۸۶). *شیوه‌شناسی زبان قرآن*، دانشگاه الزهراء، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث، سال چهارم، ش ۸.
- سعیری، حمید رضا (۱۳۸۴). *بررسی نقش بنیادی ادراک حسی در تولید معنا*، دانشگاه شهید بهشتی، نشریه شناخت، ش ۴۵ و ۴۶.
- سعیری، حمید رضا (۱۳۸۹). *نظام تنشی و ارزشی از دیدگاه نشانه‌معناشناسی سیال-الگوی جهت تحلیل گفتمان ادبی*، عنوان صفحه: انسان‌شناسی و فرهنگ، عنوان وبسایت: انسان‌شناسی و فرهنگ، ۹۲/۱۲/۱۲.
- طالب‌زاده، سید حمید (۱۳۸۵). *ادراک حسی در پدیدارشناسی مرلوپونتتی*، گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: نشریه فلسفه، ش ۱۲.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان (محمد باقر موسی)*، قم: ناشر دفتر انتشارات اسلامی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران: ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، جلد ۹.
- کریم پورقراملکی، علی (۱۳۸۳). *جامعیت قرآن از نظر مفسران*، موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه‌السلام)، مجله بینات، ش ۴۳.

- مرلوبونتی، موریس (۱۳۷۵). *اولویت ادراک و پیامدهای فلسفی آن*، ترجمه مراد فرهادپور، نشریه فرهنگ، ش ۱۸.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه. تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواستهها، پرسشها، مکتب‌ها و مسائل روز*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۳، چاپ سی و ششم.
- مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۸۸). *قرآن*
- حکیم و شرح آیات منتخب، قم: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- میر، مستنصر (۱۳۸۶). *خاستگاه هنر در دین: ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زبانی قرآن کریم*، ترجمه ابوالفضل حری، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زیبا شناخت، شماره ۱۶.
- Fontanille, Jacques (1998). *Sémiotique du discourse*, Limoges: PULIM, P21-81.